

علی (سلام الله علیه) برمی گردد؛ جاحظ که از بزرگ ترین ادبای اهل سنت است در «البیان والتبیین» می گوید محمد بن علی، یعنی امام باقر (سلام الله علیه) فرمایشی فرموده است که برای اداره جامعه تأثیر به سزایی دارد و آن بیان نورانی امام باقر (سلام الله علیه) این است که انسان باید زندگی اش را مثل شیشه ای قرار بدهد که دوسوم این شیشه فطانت و هوشیاری و زیرکی و عقل مداری است، یک سوم این شیشه تغافل است، نه غفلت؛ «ثُلَاثَةُ فِطَنَةٍ وَ ثُلَاثَةُ تَغَافُلٍ». [۸] فِطْنَةُ، فطانت، زیرکی یعنی باهوش بودن. فرمود بخواهی در جامعه خوب زندگی کنی، برنامه ات را مثل شیشه ای قرار بده که تقریباً هفتاد درصدش زیرکی، هوشیاری، عقل و خردمداری است، سی درصدش تغافل است، نه غفلت؛ یعنی این شاء الله با من نبود، کاری با من نداشت، حالا من چرا اصرار کنم، چرا بررسی کنم؟ غفلت ولو یک درصد هم باشد، ضرر دارد اما تغافل که من نشنیدم، این شاء الله به من نگفت، این شاء الله با من نبود، این شاء الله قصد بد نداشت، لازم است و با این ها باید زندگی کنیم؛ وگرنه انسان در تمام موارد بگوید چون او این چنین گفته من باید جبران کنم، سنگی روی سنگ بند نمی شود.

این فرمایش امام باقر (سلام الله علیه) ریشه در همین نامه نورانی حضرت امیر (سلام الله علیه) دارد. فرمود: «وَتَغَاب عَنْ كُلِّ مَا لَا يَضُحُّ لَكَ». این «تغاب» امر حاضر است از باب تفاعل، تغابی بود که یاء افتاده؛ یعنی خود را به تغافل بزنی، یعنی این که من متوجه نشدم، من نشنیدم، با من نبود. یک مقدار این طور زندگی کن. تمام زندگی را بخواهی با خرد حل کنی اگر کسی چیزی گفت حالا طنزی گفت یا اهانتی کرد، فوراً بخواهی جبران بکنی این اول دعوا است. تغاب یعنی عبات بورز، نه غوی بشو، تغافل بکن نه غفلت داشته باش. «وَتَغَاب عَنْ كُلِّ مَا لَا يَضُحُّ لَكَ وَلَا تَعْجَلَنَّ إِلَى تَصْدِيقِ سَاعٍ فَإِنَّ السَّاعِيَ غَاثٌ وَإِنْ تَشَبَّهَ بِالتَّاصِحِيِّنَ».

حرف سخن چینیان رازود باور نکن. کسی آمده اعتراضی کرده، نقلی کرده، باور نکن. اولاً خود او چرا گفته اسرار مردم را بررسی کرده و ثانیاً آیا درست می گوید یا درست نمی گوید؟ شما اگر بخواهید جامعه را متحد کنید، نباید در تمام اسرار درونی مردم راه پیدا کنید و اگر راه پیدا کردید حق ندارید آن ها را علنی کنید و اگر علنی کردید، نباید درصد انتقام برآید. یک مقدار گذشت، یک مقدار صفح، یک مقدار عفو، یک مقدار تغافل باعث می شود آن طرف هم جبران کند. او انسان است، او عاطفه دارد. وقتی می بیند شما نسبت به او محبت کردید این کارش به حسنه تبدیل می شود.

در بحث های قضایی دستور این است که «جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا». [۹] در محکمه قیامت هم همین طور است اما با «جَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا» نمی شود ستون جامعه را حفظ کرد. در جریان ستون جامعه فرمودند: «يَذْرُؤُنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ». [۱۰] فرمود بدی را با خوبی جبران کنید. فرمود: «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ» تا او برمی گردد «كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ» [۱۱] او گویی دوست صمیمی شما می شود. صمیم یعنی توپر، سنگ توپر را می گویند صمّاء. دوست صمیمی آن است که دوستی اش پر باشد، هیچ خللی در دوستی اش نباشد. فرمود او برمی گردد دوست شما می شود، چرا دشمن تراشی می کنید. با این وضع وجود مبارک حضرت امیر (سلام الله علیه) خواست اوضاع مردم مصر را به سامان بیاورد. **۲۱**

### پی نوشت:

۱. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۵۲۹
۲. الخلاف (شیخ طوسی)، ج ۳، ص ۲۲۸
۳. من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۸۲
۴. الکافی، ج ۶، ص ۴۳۴
۵. سوره بقره، آیه ۲۳۵
۶. سوره نمل، آیه ۲۵
۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۹
۸. البیان و التبیین، ج ۱، ص ۸۸
۹. سوره شوری، آیه ۴۰
۱۰. سوره زعد، آیه ۲۲؛ سوره قصص، آیه ۵۴
۱۱. سوره فصلت، آیه ۳۴